

بررسی ارتباط بین اجتناب از پرداخت مالیات و هزینه

بدهی و تاثیر مالکیت نهادی بر این رابطه

احمد خدامی پور^۱

میثم امینی نیا^۲

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۶/۲۷

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۱/۲۱

چکیده

هدف اصلی این تحقیق شناسایی وجود ارتباط بین اجتناب از پرداخت مالیات و هزینه بدهی در شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در دوره زمانی ۱۳۸۹ تا ۱۳۸۰ است و اینکه آیا سطح مالکیت نهادی این رابطه را تعديل می کند یا خیر. برای آزمون فرضیه های پژوهش از رگرسیون حداقل مربعات تعمیم یافته (GLS)، برای داده های پانل استفاده شده است. نتایج حاصل از تحقیق نشان داد که رابطه منفی بین اجتناب از پرداخت مالیات و هزینه بدهی وجود دارد. این رابطه منفی نشان می دهد که اثر مناسب مالیاتی ناشی از اجتناب از پرداخت مالیات می تواند به عنوان بدهی برای شرکت به کار رود، از این رو اجتناب از پرداخت مالیات می تواند به عنوان جانشین استفاده از بدهی باشد. علاوه بر این نتایج حاکی از این است که سطح مالکیت نهادی بر ارتباط بین اجتناب از پرداخت مالیات و هزینه بدهی تاثیر معناداری ندارد.

واژه های کلیدی: هزینه بدهی، تفاوت سود حسابداری و سود مشمول مالیات، مالکیت نهادی

۱- عضو هیات علمی حسابداری دانشگاه شهید باهنر کرمان Khodamipour@uk.ac.ir

۲- دانشجوی کارشناسی ارشد حسابداری دانشگاه شهید باهنر کرمان (نویسنده مسئول)

۱- مقدمه

مالیات به عنوان اصلی‌ترین ابزار کسب درآمد برای دولت‌ها جهت رسیدن به اهداف اقتصادی و اجتماعی مطرح است. گسترش و تنوع فعالیت‌های اقتصادی و همچنین نقش فزاینده دولت‌ها در ایجاد و گسترش خدمات عمومی، تامین اجتماعی و گسترش تعهدات دولت در عرصه‌های اقتصادی و اجتماعی و تلاش در جهت تحقق رشد اقتصادی و توزیع عادلانه درآمد، پرداخت و دریافت مالیات را به مساله‌ای مهم و موثر تبدیل نموده است. در هر کشوری مالیات به عنوان یکی از ابزارهای اصلی دولت در اقتصاد، نقش بسیار مهمی را ایفا می‌کند به گونه‌ای که امروز در کشورهای صنعتی، بهبود و توسعه کارایی و اثربخشی اظهار مالیات مودیان و مطالبه آن توسط کارشناسان امور مالیاتی، ضمن رعایت اصل عدالت مالیاتی، از اهمیت زیادی برخوردار گردیده است (پژویان، ۱۳۸۰). اجتناب از پرداخت مالیات به عنوان استفاده قانونی از نظام مالیاتی برای منافع شخصی، برای کاهش میزان مالیات قابل پرداخت به وسیله ابزارهایی که در خود قانون است، تعریف می‌شود (پاسترناک و ریکو، ۲۰۰۸). اجتناب از پرداخت مالیات، به فعالیت غیر قانونی که موجب کاهش درآمدهای دولت که برای امور زیربنایی و خدمات رفاهی و عمومی نیاز است، مربوط نمی‌شود (اتسانیا، ۲۰۱۱). از آنجایی که هزینه مالیات سود شرکت‌ها را کاهش می‌دهد، بسیاری از شرکت‌ها به میزان زیادی فعالیت‌های اجتناب از پرداخت مالیات را با هدف کاهش درآمد مشمول مالیات‌شان به کار می‌برند (نور و دیگران، ۲۰۱۰). در نتیجه اجتناب از پرداخت مالیات، در حال تبدیل شدن به نگرانی اصلی دولت‌هاست (گراویل، ۲۰۰۹). تصور نتایج اجتناب از پرداخت مالیات، می‌تواند مهم ترین بحث در تحقیق‌های پیرامون این موضوع باشد. یکی از دلایلی که شرکتها فعالیت‌های اجتناب از پرداخت مالیات را انجام می‌دهند، ویژگی جانشین بدھی بودن آن است (گراهام و توکر، ۲۰۰۶؛ لیم، ۲۰۱۱). به عبارت دیگر صرفه جویی مالیات شرکت‌ها که از فعالیت‌های اجتناب از پرداخت مالیات حاصل می‌شود، می‌تواند برای تامین مالی پروژه‌های شرکت استفاده شود. از طرف دیگر، از آنجایی که مالکان نهادی انگیزه نظارت بیشتری دارند می‌توانند بر رابطه بین اجتناب از پرداخت مالیات و هزینه بدھی تاثیر بگذارند. در این تحقیق تلاش می‌شود که به دو سوال پاسخ داده شود: اولین سوال تحقیق این است که آیا فعالیت‌های اجتناب از پرداخت مالیات با هزینه بدھی رابطه معناداری دارد؛ دوم اینکه آیا سطح مالکیت نهادی رابطه بین اجتناب از پرداخت مالیات و هزینه بدھی را تدبیل می‌کند. ادامه تحقیق شامل قسمت‌های زیر می‌باشد: در بخش ۲، مبانی نظری تحقیق بسط داده می‌شود، در بخش ۳، پژوهش‌های قبلی مرور می‌شود، در بخش ۴،

فرضیه‌های تحقیق بیان می‌شود، در بخش ۵، شرایط انتخاب نمونه بیان می‌شود، در بخش ۶ مدلها و متغیرهای استفاده شده برای بررسی تاثیر اجتناب از پرداخت مالیات بر هزینه بدھی و تاثیر مالکیت نهادی بر این رابطه تشریح می‌شود و در بخش ۷، یافته‌های تحقیق بیان می‌شود.

- مبانی نظری

رگو (۲۰۰۳)، اجتناب از پرداخت مالیات را به عنوان استفاده از روش‌های برنامه‌ریزی مالیاتی که به طور قانونی، پرداخت مالیات بر درآمد شرکتها را کاهش می‌دهد، تعریف کرده است. اجتناب از پرداخت مالیات به طور کلی کاهش آشکار مالیات تعریف شده است (هانلون و هترمن، ۲۰۰۹). فعالیت‌های اجتناب از پرداخت مالیات به طور متداول به ابزارهای صرفه جویی مالیات که منابع را از دولت به سهامداران انتقال می‌دهد و بنابراین ارزش بعد از مالیات شرکت را افزایش می‌دهد، مربوط می‌شود (دسایی و دارماپلا ۲۰۰۹). بسیاری از پژوهش‌ها در پاسخ به این سوال انجام شده است که چرا بعضی از شرکتها بیش از بقیه از پرداخت مالیات اجتناب می‌کنند؟ بعضی از محققان عوامل مختلفی را به عنوان محرک و منافع برای فعالیت‌های اجتناب از پرداخت، برای پاسخ به سوال مورد نظر مطرح کرده اند. زیمرمن (۱۹۸۳)، گوپتا و نیوبری (۱۹۹۷) و رگو (۲۰۰۳) بر ویژگی‌های شرکت مثل نوع صنعت، اندازه شرکت، عمر شرکت و غیره و دیگر پژوهش‌ها، انگیزه‌هایی مثل پاداش، ساختار مالکیت و شکل سازمانی را به عنوان عوامل محرک بر فعالیت‌های اجتناب از پرداخت مالیات ذکر کرده اند (گراهام و توکر ۲۰۰۶، لیم ۲۰۱۰ و ۲۰۱۱).

صرفه جویی هزینه ناشی از فعالیت‌های اجتناب از پرداخت مالیات می‌تواند مبلغی ارزشمند برای ضعف مالی شرکت باشد و تامین مالی از طریق بدھی یا وجه نقد را کاهش دهد (کیم و همکاران ۲۰۰۵). از آنجایی که سپر مالیاتی شکلی از حمایت مالیاتی می‌باشد، شرکت‌هایی که سپر مالیاتی را به کار می‌برند، بدھی کمتری دارند و صرفه جویی جریان نقدی ناشی از سپر مالیاتی می‌تواند جانشینی برای میزان بدھی شرکت باشد (گراهام و توکر، ۲۰۰۶). به طور خلاصه، وجود سپر مالیاتی غیر بدھی، ممکن است سبب استفاده کم تر از بدھی شود (دی انجلو و مازولیس، ۱۹۸۰). اگر فعالیت‌های اجتناب از پرداخت مالیات، جانشینی برای استفاده از بدھی باشد، این امر می‌تواند کیفیت بدھی را افزایش، هزینه مورد انتظار و رشکستگی و ریسک ناتوانی در پرداخت بدھی و در نهایت هزینه بدھی را کاهش دهد (لیم، ۲۰۱۱).

مسئله نمایندگی، مفاهیم اجتناب از پرداخت مالیات را تایید می‌کند و نشان می‌دهد که اجتناب از پرداخت مالیات همیشه ممکن نیست که ثروت سهامداران بیرونی را افزایش دهد. مطابق با این نظریه، فعالیت‌های اجتناب از پرداخت مالیات ممکن است در انحراف منافع به سمت خود مدیران نقش داشته باشد که دامنه آن از دستکاری و سرقت سود شرکت تا پاداش بیش از اندازه مدیران در شکل‌های مختلف متغیر است. اجتناب از پرداخت مالیات ممکن است به طور بالقوه ارزش بعد از مالیات شرکت را کاهش دهد. از این‌رو هزینه‌هایی که به طور مستقیم به فعالیت‌های برنامهریزی مالیاتی مربوط می‌شود، هزینه‌های اضافی رعایت قوانین و مقررات و هزینه‌های غیر مالیاتی یعنی هزینه‌های نمایندگی، ممکن است بهتر از منافع مالیاتی برای سهامداران باشد (وانگ، ۲۰۱۰).

ترکیب سهامداران شرکت‌های مختلف متفاوت است. بخشی از مالکیت شرکتها در اختیار سهامداران جزء و اشخاص حقیقی قرار دارد. این گروه برای نظارت بر عملکرد مدیران شرکت عمدتاً به اطلاعات در دسترس عموم، همانند صورتهای مالی منتشره انکا می‌کنند. این در حالی است که بخش دیگری از مالکیت شرکت‌ها در اختیار سهامداران حرفه‌ای عمدۀ قرار دارد که برخلاف گروه سهامداران نوع اول، اطلاعات داخلی با ارزش درباره چشم اندازهای آتی و راهبردهای تجاری و غیره شرکت از طریق ارتباط مستقیم با مدیران شرکت در اختیار ایشان قرار می‌گیرد (نوروش و ابراهیمی ۱۳۸۴). از منظر مالکیت نهادی، به عبارت دیگر از منظر نمایندگی، که بر ارتباط بین حاکمیت شرکتی و فعالیت‌های اجتناب از پرداخت مالیات تاکید می‌کند، چنین فعالیت‌هایی می‌تواند سپری برای فرصت طلبی مدیران ایجاد کند و در نتیجه منافع را منحرف کنند (دسایی و همکاران، ۲۰۰۷؛ ویلسون، ۲۰۰۹؛ چن و همکاران، ۲۰۱۰)، از آنجایی که سپر مالیاتی شرکت و انحراف منافع به وسیله مدیران با یکدیگر زمینه‌های مشترک دارند، ارتباط مکمل قوی ممکن است بین دو فعالیت وجود داشته باشد. این امر به این دلیل است که پنهان کردن درآمد از ماموران مالیاتی از طریق معامله‌های پیچیده، توانایی سهامداران یا سرمایه گذاران را برای نظارت بر رفتارهای مدیریتی را کاهش می‌دهد، بنابراین انحراف منافع برای مدیران کم هزینه‌تر می‌شود (دسایی و دیگران، ۲۰۰۷). سطح مالکیت نهادی می‌تواند بر ارتباط بین اجتناب از پرداخت مالیات و هزینه بدھی تاثیر گذار باشد. این امر به این دلیل است که سهامداران نهادی انگیزه بیشتری دارند که بر عملکرد شرکت نظارت کنند (شلیفر و ویشنی، ۱۹۸۶). به علاوه مسئله نمایندگی بین مدیران و سهامداران ممکن است با افزایش مالکیت سهامداران نهادی کاهش یابد (چانگ و دیگران، ۲۰۰۲). سهامداران نهادی یک نقش نظارتی در ارتباط با قرارداد پاداش مدیران

اجرائی بازی می کند (هارتزل و استارک، ۲۰۰۳). کیفیت مناسب حاکمیت شرکتی سبب می شود که فعالیت‌های اجتناب از پرداخت مالیات سبب ایجاد ارزش برای شرکت شوند (دسایی و داراماپلا، ۲۰۰۹). همچنین سپر مالیاتی می‌تواند به عنوان ابزاری برای ایجاد ارزش در شرکت‌های با حاکمیت شرکتی خوب به کار رود (ویلسون ، ۲۰۰۹).

مالکیت نهادی سبب ایجاد نتیجه مناسب از فعالیت‌های اجتناب از پرداخت مالیات می‌شود (دسایی و داراماپلا، ۲۰۰۹)، از طرفی اجتناب از پرداخت مالیات با هزینه بدھی شرکت رابطه منفی دارد، بنابراین سطح مالکیت نهادی می‌تواند از طریق کمتر کردن مسئله نمایندگی، اثر منفی بر هزینه بدھی داشته باشد، همچنان که سبب کاهش فرصت‌های انحراف منافع مدیران که به فعالیت‌های اجتناب از پرداخت مالیات مربوط است، می‌شود. بنابراین انتظار می‌رود رابطه منفی بین اجتناب از پرداخت مالیات و هزینه بدھی با وارد شدن مالکیت نهادی منفی تر شود.

۳- پیشینه پژوهش

باباجانی و عبدی(۱۳۸۹)، به بررسی رابطه بین حاکمیت شرکتی و سود مشمول مالیات شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. این ارزیابی از طریق بررسی رابطه بین برخی از معیارهای مهم حاکمیت شرکتی با درصد اختلاف بین سود مشمول مالیات ابرازی و قطعی صورت گرفت. آن‌ها با در نظر گرفتن ۸۲ شرکت به عنوان نمونه به این نتیجه رسیدند که تفاوت معنی‌داری بین میانگین درصد اختلاف سود مشمول مالیات ابرازی و قطعی در شرکت‌هایی که معیارهای حاکمیت شرکتی را دارا هستند، با گروه شرکت‌هایی که فاقد معیارهای مزبور هستند، وجود ندارد. این در حالی بود که در هر دو گروه شرکت‌ها، درصد اختلاف بین سود مشمول مالیات ابرازی و قطعی معنی‌دار بوده است.

ایزدی‌نیا و رسائیان (۱۳۸۷) به بررسی رابطه بین ساختار سرمایه و مالیات شرکتها پرداختند. نتایج حاصل از این تحقیق بیانگر عدم وجود رابطه معنی‌دار بین ساختار سرمایه و مالیات شرکتها پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران می‌باشد.

عرب مازار و دیگران(۱۳۹۰) به تبیین رابطه بین شفافیت گزارشگری مالی با گزارشگری مالیاتی در ایران پرداختند. نتایج تحقیق آنها بیانگر وجود یک رابطه مثبت بین گزارشگری مالیاتی و شفافیت گزارشگری مالی بوده است، به طوری که در صورت تهییه گزارشگری مالیاتی به ضمیمه گزارشگری مالی، شفافیت گزارشگری مالی تا حدود زیادی تامین خواهد شد.

خدامی پور و ترک زاده (۱۳۹۰) رابطه بین مالیات و محافظه کاری در گزارشگری مالی و مربوط بودن اطلاعات حسابداری را مورد بررسی قرار دادند. نمونه مورد بررسی آنها متشکل از ۱۲۳ شرکت در یک دوره ۵ ساله بود. نتایج این تحقیق نشان داد شرکتهایی که خالص جریان نقدی عملیاتی آنها بسیار بزرگتر از درآمد مشمول مالیات آنهاست، محافظه کاری بیشتری نسبت به سایر شرکتها دارند، اما در مورد شرکتهایی که خالص جریان نقدی عملیاتی آنها بسیار کوچکتر از درآمد مشمول مالیات آنهاست، نمی‌توان گفت که محافظه کاری کمتری نسبت به سایر شرکتها دارند. علاوه بر این، یافته‌های پژوهش نشان داد که مالیات نه تنها مربوط بودن اطلاعات حسابداری را که شرکتها ارائه می‌کنند کاهش نمی‌دهد، بلکه باعث مرتبط تر شدن اطلاعات نیز می‌گردد.

دی آنجلو و مازولیس (۱۹۸۰) در ارتباط با تأثیر مالیات بر ساختار سرمایه بیان می‌دارند که بسته به توازن موجود بین منافع مالیاتی ناشی از ایجاد بدھی و پیامدهای مالی مربوط، می‌توان ساختار سرمایه مطلوب را تعیین نمود. شرکتهایی که منافع مالیاتی ناشی از ایجاد بدھی آنها کمتر از هزینه‌های ریسک مالی ناشی از ایجاد بدھی باشد، کمتر به تأمین مالی از طریق ایجاد بدھی می‌پردازند. دیرنگ و همکاران (۲۰۱۰)، در تحقیق خود از نرخ موثر مالیاتی نقدی بلندمدت برای آزمون میزان اجتناب از مالیات شرکتها در طی دوره ۱۰ ساله استفاده کردند. نتایج حاصل از تحقیق آنها نشان داد که اختلاف مقطعي قابل ملاحظه‌ای در اجتناب از پرداخت مالیات توسط شرکتها وجود دارد و تقریباً ۲۵ درصد شرکتها توانایی این را دارند که نرخ موثر مالیاتی نقدی را زیر ۲۰ درصد نگه دارند.

آرمسترانگ و همکاران (۲۰۱۱) در تحقیقی به تبیین مشوق‌های موثر بر برنامه ریزی مالیاتی پرداختند. افراد مذکور، از یک مجموعه داده اختصاصی که حاوی اطلاعات مربوط به طرح‌های پاداش به صورت جزئی بود، استفاده نمودند. همچنین از معیارهایی همچون نرخ موثر مالیاتی بر مبنای استانداردهای حسابداری، نرخ موثر مالیاتی نقدی و اختلاف بین درآمد دفتری و درآمد مشمول مالیات استفاده نمودند. یافته‌های این تحقیق بیانگر آن بود که بین طرح‌های تشویقی پاداش مدیران مالیاتی با نرخ موثر مالیاتی محاسبه شده بر اساس استانداردهای حسابداری رابطه‌ای منفی و معنادار وجود دارد، اما بین طرح‌های مذکور با سایر معیارهای استفاده شده ارتباطی ضعیف وجود دارد. محققان در توجیه نتایج حاصله، بر این باور بودند که مدیران فعال در امور مالیاتی شرکت‌ها با مشوق‌هایی سرو کار دارند که در صورت کاهش هزینه مالیات گزارش شده در صورت‌های مالی محقق خواهد شد.

۴- فرضیه های تحقیق

بر اساس چارچوب ارائه شده در مبانی نظری و بر اساس پژوهش‌های قبلی فرضیه‌های تحقیق به صورت زیر بیان می‌شود:

- ۱- بین اجتناب از پرداخت مالیات و هزینه بدھی رابطه معنی‌دار منفی وجود دارد.
- ۲- رابطه بین اجتناب از پرداخت مالیات و هزینه بدھی به وسیله سطح مالکیت نهادی تعديل می‌شود.

۵- جامعه و نمونه آماری

جامعه آماری این تحقیق کلیه شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران است که از ابتدای فروردین ۱۳۸۰ تا پایان اسفند ۱۳۸۹ در بورس اوراق بهادار تهران فعال بوده‌اند. نمونه آماری با استفاده از روش نمونه‌گیری حذفی و با اعمال شرایط زیر انتخاب شده است. به این صورت که شرکت‌هایی که دارای ویژگی‌های مذکور در ذیل بودند، انتخاب شده‌اند:

- ۱- داده‌های مورد نظر این پژوهش برای آنها در دسترس باشد.
- ۲- جزو شرکت‌های بیمه و واسطه گری مالی نباشد، به این دلیل که ساختار مالی این نوع شرکت‌ها متفاوت می‌باشد.
- ۳- شرکت‌ها در پایان سال مالی سودآور باشند. با توجه به معیار اجتناب از پرداخت مالیات که از تفاوت سود حسابداری و سود مشمول مالیات بست می‌آید شرکت‌هایی انتخاب شدند که سودآور بودند. پس از حذف شرکت‌های فاقد شرایط مذکور، تعداد ۶۷ شرکت به به عنوان نمونه باقی مانده است و با توجه به ماهیت ترکیبی داده‌ها، تعداد مشاهده‌های این پژوهش ۶۲۷ سال-شرکت می‌باشد.

۶- مدل‌های تحقیق

برای آزمون فرضیه‌های تحقیق از دو مدل رگرسیون به شرح زیر استفاده شده است:

مدل اول:

$$COD_{it} = \alpha_{1i} + \alpha_{2i} BTD_{it} + \alpha_{3i} TA_{it} + \alpha_{4i} Size_{it} + \alpha_{5i} CFO_{it} + \alpha_{6i} Group_{it}$$

مدل دوم:

$$COD_{it} = \alpha_{1i} + \alpha_{2i} BTD_{it} + \alpha_{3i} TA_{it} + \alpha_{4i} Inst_{it} + \alpha_{5i} BTDIInst_{it} + \alpha_{6i} Size_{it} + \alpha_{7i} CFO_{it} \\ + \alpha_{8i} Group_{it}$$

در ادامه تعریف عملیاتی متغیرها و نحوه محاسبه آنها تبیین می‌گردد:

متغیر وابسته

هزینه بدھی (COD^۱): از تقسیم هزینه بهره بر متوسط بدھی بلند مدت و کوتاه مدت بدست آمده است.

متغیرهای مستقل

تفاوت سود حسابداری و سود مشمول مالیات (BTD^۲): نماینده سنجش فعالیتهای اجتناب از پرداخت مالیات می‌باشد که از تفاوت بین سود قبل از مالیات شرکت و سود مشمول مالیات بدست می‌آید. به منظور از بین بردن اثر مقیاس، بر داراییهای اول دوره تقسیم گردیده است. در پژوهش‌های صورت گرفته پیرامون اجتناب از پرداخت مالیات از معیارهای متفاوتی برای سنجش اجتناب از پرداخت مالیات استفاده شده است. در این تحقیق به پیروی از کار پلسكو (۲۰۰۴) و دسای و دارماپلا (۲۰۰۶، ۲۰۰۹) از تفاوت بین سود حسابداری (سود قبل از مالیات) و سود مشمول مالیات به عنوان معیار اجتناب از پرداخت مالیات و از اطلاعات صورت سود و زیان برای تخمین سود مشمول مالیات استفاده شده است. سود مشمول مالیات از طریق تقسیم هزینه مالیات بر نرخ مالیات قانونی محاسبه شده است. هانلون و همکاران (۲۰۰۵) و دسای و همکاران (۲۰۰۶) اظهار کردند که استفاده از سود مشمول مالیات برآورده معیاری مناسب تر از سود مشمول مالیات واقعی است، به این دلیل که بازار فقط از اطلاعات عمومی موجود برای ارزیابی قیمت سهام استفاده می‌کند. قوانین و مقررات مالیاتی، انواع درآمدهای مشمول مالیات یا معاف از مالیات را تعریف می‌کند. برای یک واحد تجاری ممکن است درآمدهایی ارائه کند که متفاوت از درآمدهای گزارش شده برای مقاصد مالیاتی باشد. در ایران معافیت‌های موضوع مواد ۱۳۲ تا ۱۴۵ قانون مالیات‌های مستقیم از جمله معافیت‌هایی است که موجب تفاوت دائمی بین سود حسابداری و مشمول مالیات می‌شود. برای نمونه، طبق ماده ۱۴۱، ۱۰۰٪ درآمد حاصل از صادرات کالاهای صنعتی و یا طبق ماده ۱۴۵، سود حاصل از سپرده‌های بانکی از مالیات معاف است. این مواد مربوط به درآمدهاست. در مورد هزینه‌های قابل پذیرش در ماده ۱۴۸ هزینه‌های مازاد بر معافیت‌های تعیین شده از این دست است.

1 . Cost of Debt

2 . Book-Tax Differences

مالکیت سهامداران نهادی (Inst): در تحقیق حاضر طبق تعریف پورجیدری و همتی (۱۳۸۳)، مجموع سهام شرکتهای سرمایه گذاری، صندوق‌های بازنیستگی، بنیادها، نهادها و سازمان‌های دولتی، به دلیل اینکه از افق دید بلندمدت برخوردارند، به عنوان سهامداران نهادی در نظر گرفته شده است. این تعریف از سرمایه گذاران نهادی در پژوهش هندی و همکاران (۱۳۸۸) و سایر پژوهش‌ها نیز استفاده شده است و به تعاریف ارائه شده در پژوهش‌های غربی نیز نزدیک است. مطابق با تعریف بوشی (۱۹۹۸) سرمایه گذاران نهادی، سرمایه گذاران بزرگ نظیر بانک‌ها، شرکت‌های بیمه، شرکت‌های سرمایه گذاری، موسسات بازنیستگی و هستند.

متغیرهای کنترلی:

اقلام تعهدی (TA): از تفاوت بین سود و جریان نقدی حاصل از عملیات بدست می‌آید. تفاوت بین سود دفتری و مشمول مالیات به دو دلیل می‌تواند ایجاد شود، به خاطر مدیریت سود که مدیران سود حسابداری را دستکاری می‌کنند و دیگری فعالیت‌های اجتناب از پرداخت مالیات که به طور عمده درآمد مشمول مالیات را کاهش می‌دهند. بنابراین تفاوت سود دفتری و مشمول مالیات الزاماً اجتناب از پرداخت مالیات را منعکس نمی‌کند (دسایی و دارماپلا، ۲۰۰۶ و ۲۰۰۹). بنابراین اقلام تعهدی برای کنترل سایر عوامل یعنی مدیریت سود به کار می‌رود. به منظور از بین بردن اثر مقیاس، بر دارایی‌های اول دوره تقسیم گردیده است.

جریان نقدی عملیاتی (CFO): بیانگر سودآوری شرکت می‌باشد. وقتی که شرکت جریان نقدی بیشتری تولید کند در وضعیت بهتری از نظر ایفای تعهد قرار دارد. به منظور از بین بردن اثر مقیاس، بر دارایی‌های اول دوره تقسیم گردیده است.

اندازه شرکت (Size): از لگاریتم طبیعی کل دارایی‌ها بدست می‌آید. از دید سرمایه گذاران، شرکت‌های بزرگ‌تر ریسک کمتری خواهند داشت در نتیجه نرخ بهره شرکت کاهش خواهد یافت.

متغیر موهومی (Group): اگر شرکت عضو گروه تجاری باشد عدد یک، در غیر این صورت صفر می‌پذیرد. شرکت‌های عضو گروه به دلیل دسترسی به بازار سرمایه داخلی با محدودیت‌های مالی کم تری نسبت به شرکت‌های مستقل برخوردارند بنابراین انتظار می‌رود هزینه بدھی کم تری داشته باشند.

۷- یافته های پژوهش

۷-۱- آمار توصیفی

اطلاعات مربوط به آمار توصیفی متغیرهای مورد استفاده در این پژوهش در جدول شماره (۱) منعکس گردیده است. همانگونه که مشاهده می‌شود، تعداد سال-شرکت بررسی شده ۶۲۷ مورد می‌باشد. هزینه بدھی (COD) شرکت‌ها به طور متوسط $0/09$ و میانگین تفاوت سود حسابداری و سود مشمول مالیات (BTD)، $0/01$ می‌باشد، که نشان دهنده این است که به طور متوسط سود قبل از مالیات شرکت‌ها بیشتر از سود مشمول مالیات آنها می‌باشد. حداقل تفاوت سود حسابداری و سود مشمول مالیات $-0/09$ می‌باشد که بیانگر این است که در بعضی از شرکت‌ها سود حسابداری کمتر از سود مشمول مالیات می‌باشد.

جدول (۱)- آمار توصیفی متغیرهای تحقیق

متغیر	تعداد مشاهدات	میانگین	انحراف معیار	میانه	ماکزیمم	مینیمم
COD	۶۲۷	۰/۰۹	۰/۰۶	۰/۰۸	۰/۴	۰
BTD	۶۲۷	۰/۱	۰/۱۲	۰/۰۶	۰/۷	-۰/۰۹
TA	۶۲۷	۰/۰۳	۰/۲	۰/۰۲	۱/۱۱	-۲/۹۸
SIZE	۶۲۷	۱۳/۱۳	۱/۵۴	۱۳	۱۸/۳۲	۱۰/۹۰
CFO	۶۲۷	۰/۱۲	۰/۱۳	۰/۱۱	۰/۶	-۰/۳
Inst	۶۲۷	۰/۶۹	۲۲/۴۳	۰/۷۴	۱۰۰	۰
InstBTD	۶۲۷	۷/۷۶	۱۰/۴۳	۳/۸۸	۶۷/۹۷	-۷/۷۳
Group	۶۲۷	۰/۵۷	۰/۴۹	۱	۱	-۰/۳

منبع: یافته‌های محقق

۷-۲- نتایج آزمون همبستگی پیرسون

برای بررسی وجود رابطه خطی و شدت همبستگی بین متغیرها از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شده است. این ضرایب به همراه سطح معنی‌داری ارائه گردیده‌اند. نتایج این آزمون در جدول (۲) ارائه شده است. همبستگی بین هزینه بدھی و تفاوت سود حسابداری و مشمول مالیات $-0/3$ ، منفی و در سطح ۹۹ درصد معنی‌دار است که شرکت‌هایی که فعالیت‌هایی اجتناب از پرداخت مالیات را به کار می‌برند به طور معنی‌داری هزینه بدھی کم تری را تجربه می‌کنند. به علاوه هزینه بدھی رابطه منفی و معنی‌داری با مالکیت نهادی دارد. همبستگی معنی‌داری بین هزینه بدھی با

متغیرهای کنترلی جریان نقدی عملیاتی و اقلام تعهدی وجود دارد و در ضمن، بین هزینه بدھی با اندازه شرکت و گروه تجاری، همبستگی معنی‌داری وجود ندارد.

جدول (۲)- نتایج آزمون همبستگی پیرسون

GROUP	BTDInst	INST	SIZE	CFO	TA	BTD	COD	
							۱	COD
						۱	-۰/۳۰**	BTD
					۱	.۰/۳۴	-۰/۱**	TA
				۱	-۰/۵۴**	.۰/۲۱**	-۰/۲۲**	CFO
			۱	-۰/۷۵	-۰/۰۷	.۰/۱۱**	-۰/۲۴	SIZE
		۱	.۰/۱۱**	.۰/۰۱	.۰/۱۳*	-۰/۱۵	-۰/۱۵**	INST
	۱	.۰/۲۹**	.۰/۱۱**	.۰/۲۳**	.۰/۳۱**	.۰/۹۵*	-۰/۳۳**	BTDInst
۱	.۰/۱۷**	.۰/۲۱**	.۰/۴۷**	-۰/.۰۸*	.۰/.۰۷	.۰/۱۷*	.۰/.۰۵	GROUP

*** به ترتیب معنی‌داری در سطح ۹۹ و ۹۵ درصد

منبع: یافته‌های محقق

۳-۷- تجزیه تحلیل داده‌ها و انتخاب الگو برای مدل‌های تحقیق

داده‌های مربوط به متغیرها از صورت‌های مالی شرکت‌ها و نرم افزار تدبیر پرداز استخراج شده است. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از نرم افزار Eviews 6 استفاده شده است. برای آزمون فرضیه‌ها از مدل رگرسیون حداقل مربعات تعمیم یافته(GLS) و برای آزمون همبستگی بین پسماندها از آزمون دوربین-واتسون استفاده شده است. ضمناً برای رفع ناهمسانی واریانس، از تصحیح وايت استفاده شده است. در بررسی داده‌های مقطعی و سری زمانی، اگر ضرایب انرات مقطعی و اثرات زمانی معنی‌دار نشود، می‌توان داده‌ها را با یکدیگر ترکیب کرده و به وسیله یک رگرسیون حداقل مربعات معمولی تخمین بزنیم. از آنجایی که در اکثر داده‌های ترکیبی اغلب ضرایب مقاطع یا سری‌های زمانی معنی‌دار هستند، این مدل که به مدل رگرسیون ترکیب شده معروف است کمتر مورد استفاده قرار می‌گیرد (یافی، ۲۰۰۳). با توجه به ساختار ترکیبی داده‌ها، برای بررسی ترکیب پذیری از آزمون چاو و برای بررسی وجود اثر ثابت، از آزمون هاسمن استفاده شده است.

برای بررسی ترکیب پذیری از آزمون چاو استفاده شده است. با توجه به نتایج بدست آمده در جدول شماره (۳)، مدل اثر ثابت به عنوان مدل ارجح انتخاب شد.

جدول (۳)- نتایج حاصل از آزمون چاو برای مدل های تحقیق

مدل	مقدار آماره F	درجه آزادی	P-Value	نتیجه	روش تائید شده
مدل شماره ۱	۷۵/۵	(۵۲/۵۵۹)	۰/۰۰۰۰	رد	روش داده های پانل
مدل شماره ۲	۵/۶۰	(۵۲/۵۵۷)	۰/۰۰۰۰	رد	روش داده های پانل

برای انتخاب بین مدل اثر ثابت و تصادفی از آزمون هاسمن استفاده شده است که نتایج آن در جدول شماره (۴) آمده است. سطح معنی داری بدست آمده نشان می دهد که برای برآورد مدل باید از آزمون اثر ثابت استفاده شود.

جدول (۴)- نتایج حاصل از آزمون هاسمن برای مدل های تحقیق

مدل	مقدار آماره	درجه آزادی	P-value	نتیجه	روش تائید شده
مدل شماره ۱	۱۵/۸۹	۵	۰/۰۰۰۰	رد	H _۰ روش اثر ثابت
مدل شماره ۲	۱۸/۷۱	۷	۰/۰۰۹	رد	H _۰ روش اثر ثابت

۴-۷- نتایج حاصل از آزمون فرضیه ها

قبل از پرداختن به آزمون فرضیه ها ذکر این نکته ضروری است که در تمامی مدل ها برای آزمون فرضیه های اول و دوم، مقدار آماره دوربین - واتسون بدون در نظر گرفتن وقفه بهینه به ترتیب مقادیر ۱/۳۰ و ۱/۲۹ را نشان می داد، که بیانگر وجود خودهمبستگی بین خطاهای مدل بود. برای رفع این مشکل ابتدا وقفه بهینه با استفاده از معیارهای خطای نهایی پیش بینی شده^۱، معیار آکائیک^۲، شوارز^۳ و حنان - کوئین^۴ تعیین گردید و سپس در مدل رگرسیون لحاظ گردید. از آنجا که در کلیه مدل - ها همه معیارهای فوق وقفه زمانی یک را به عنوان وقفه بهینه انتخاب نمودند، لذا در تمامی مدل ها از خود رگرسیون مرتبه اول در مدل ها استفاده گردیده است. همچنین برای برآورد این مدل ها در قالب

1. Final Prediction Error

2 . Akaike

3 . Schwarz

4 . Hannan-Quinn

مدل داده‌های ترکیبی با توجه به نتایج حاصل شده از آزمون چاو و هاسمن که در جداول (۳) و (۴) نمایان است، در تمامی مدل‌ها از روش داده‌های پانل به صورت اثر ثابت استفاده شده است.

جدول (۵)- نتایج حاصل از آزمون فرضیه اول

$COD_{it} = \alpha_{1i} + \alpha_{2i} BTD_{it} + \alpha_{3i} TA_{it} + \alpha_{4i} Size_{it} + \alpha_{5i} CFO_{it} + \alpha_{6i} Group_{it}$		
متغیر	ضریب	معناداری
مقدار ثابت	+/-0.000	-0/۹۷۳
تفاوت سود دفتری و مشمول مالیات (BTD)	-/-0.۰۳۴	-0/۰۹۲
(TA) اقلام تمهدی	-/-0.۰۳۵	-0/۰۳۴
(SIZE) اندازه	+/-0.۰۰۷	-0/۰۰۰
(CFO) جریان نقدي عملیاتی	+/-0.۰۵۱	-0/۰۰۰
(GROUP) متغیر موهومی	-/-0.۰۰۱	+0/۸۱۶
آماره F		۲۰/۱۶
سطح معنی داری آماره F		+/-0.۰۰۰
ضریب تعیین تعديل شده		-0/۶۹
آماره ی دوربین واتسون		۲/۰۹

منبع: یافته‌های محقق

۱-۴-۷- نتایج آزمون فرضیه اول: فرضیه اول به بررسی رابطه بین اجتناب از پرداخت مالیات و هزینه بدھی پرداخته است. همانطور که در جدول شماره (۵) مشاهده می‌شود، آماره F بدست آمده در مدل فوق در سطح اطمینان ۹۹/۰ معنی‌دار است، بنابراین کل مدل از لحاظ آماری معنی‌دار است. آماره دوربین-واتسون ۰/۹۹-۲ می‌باشد که بیانگر عدم وجود خودهمبستگی بین متغیرهای تحقیق می‌باشد. ضریب تعیین تعديل شده ۰/۰۷ می‌باشد، که بیانگر این است که ۷۰ درصد تغییرات متغیر وابسته توسط متغیرهای مستقل توضیح داده می‌شود. بر اساس نتایج حاصل از آزمون فرضیه که در جدول شماره (۵) مشاهده می‌شود، ضریب تفاوت سود دفتری و مشمول مالیات، -0/۰۳۴، منفی و معنی‌دار می‌باشد که به این معنی است که فعالیت‌های اجتناب از پرداخت مالیات بیشتر، نرخ بهره شرکت را به طور میانگین به اندازه (۴/۳٪) کاهش می‌دهد. این رابطه منفی نشان دهنده این است که اثر مناسب اجتناب از پرداخت مالیات شرکت می‌تواند به عنوان یک بدھی برای شرکت به کار رود، از این‌رو اجتناب از

پرداخت مالیات به عنوان یک جانشین برای استفاده از بدھی به کار رود. این نتیجه، با نتایج گراهام و توکر (۲۰۰۶) و لیم (۲۰۱۱) مطابقت دارد.

جدول (۶)- نتایج حاصل از آزمون فرضیه دوم

$COD_{it} = \alpha_{1i} + \alpha_{2i} BTD_{it} + \alpha_{3i} TA_{it} + \alpha_{4i} Inst_{it} + \alpha_{5i} BTDIInst_{it} + \alpha_{6i} Size_{it} + \alpha_{7i} CFO_{it} + \alpha_{8i} Group_{it}$		
متغیر	ضریب	معناداری
مقدار ثابت	۰/۰۲۷	۰/۰۲۴
تفاوت سود دفتری و مشمول مالیات(BTD)	۰/۵۱۹	۰/۰۳۱
اقلام تمدید(TA)	۰/۰۳۵	-۰/۰۳۴
مالکیت نهادی(Inst)	۰/۰۰۰۵	۰/۰۰۰۰
مالکیت نهادی*تفاوت سود حسابداری و مشمول مالیات(BTDInst)	۰/۰۰۰۷	۰/۱۸۴
اندازه(SIZE)	۰/۰۰۸	۰/۰۰۰۰
جریان نقدی عملیاتی(CFO)	-۰/۰۰۴۵	۰/۰۰۰۰
متغیر موهومی(GROUP)	۰/۰۰۲	۰/۶۱۴
F آماره	۱۹/۵۹	
سطح معنی داری آماره F	۰/۰۰۰	
ضریب تعیین تبدیل شده	۰/۶۹	
آماره ۲ دوربین واتسون	۲	

منبع: یافته‌های محقق

۷-۴-۲- آزمون فرضیه دوم: در این فرضیه به بررسی تاثیر مالکیت نهادی بر رابطه بین اجتناب از پرداخت مالیات و هزینه بدھی پرداخته شده است. آماره F بدست آمده از مدل دوم، (جدول شماره ۶)، در سطح اطمینان ۹۹/۰ معنی دار است، بنابراین کل مدل از لحاظ آماری معنی دار است. آماره دوربین- واتسون ۲ می باشد که بیانگر عدم وجود خودهمبستگی بین متغیرهای تحقیق می باشد. ضریب تعیین تبدیل شده ۰/۶۹ می باشد، که بیانگر این است که ۶۹ درصد تغییرات متغیر وابسته توسط متغیرهای مستقل توضیح داده می شود. همانطور که در جدول شماره (۶) مشاهده می شود، ضریب اثر متقابل اجتناب از پرداخت مالیات و مالکیت نهادی معنی دار نمی باشد. در نتیجه فرضیه دوم تحقیق رد می شود. بر اساس تحقیقات قبلی انتظار می رود که نظارت مالکیت نهادی سبب نتیجه

مناسب از فعالیتهای اجتناب از پرداخت مالیات شود و منافع ناشی از اجتناب از پرداخت مالیات سبب کاهش بیشتر هزینه بدھی شود. اما بر اساس آزمون فرضیه تحقیق سطح مالکیت نهادی بر رابطه بین اجتناب از پرداخت و هزینه بدھی تاثیر معنی‌داری ندارد این نتیجه، با نتیجه لیم (۲۰۱۱)، مطابقت ندارد.

۸- نتیجه گیری و پیشنهادها

مالیات هزینه‌ای است که بر کلیه واحدهای انتفاعی که به نوعی درآمدزایی می‌کنند، از جانب دولت تحمل می‌شود. چنانچه شرکتها و اشخاص حقوقی به عنوان واحدهایی تلقی شوند که در راستای کسب سود و انتفاع، فعالیت می‌کنند، می‌توان انتظار داشت که به دنبال راهکارهایی در جهت کاهش مالیات پرداختی خود باشند. در ادبیات مالی در کشورهای خارجی، تلاشها و راهکارهای قانونی شرکتها به منظور کاهش هزینه مالیات خود را به نام‌های متفاوتی از قبیل مدیریت مالیات، اجتناب از پرداخت مالیات و رویه مالیاتی جسورانه می‌شناسند. فعالیت‌های اجتناب از پرداخت مالیات به طور متداول به ابزارهای صرفه جویی مالیات که منابع را از دولت به سهامداران انتقال می‌دهد و بنابراین ارزش بعد از مالیات شرکت را افزایش می‌دهد، اتلاف می‌شود (دسایی و دارماپلا، ۲۰۰۹). در این پژوهش ارتباط بین اجتناب از پرداخت مالیات و هزینه بدھی و تاثیر مالکیت نهادی بر این رابطه مورد بررسی قرار گرفته است. معیارهای متفاوتی جهت سنجش اجتناب از پرداخت مالیات استفاده می‌شود.

در این تحقیق از تفاوت سود گزارش شده به سهامداران و سود مشمول مالیات، استفاده شده است. بر طبق فرضیه اول پیش‌بینی شد که یک رابطه منفی بین اجتناب از پرداخت مالیات و هزینه بدھی وجود دارد. نتایج تحقیق، بیانگر تایید فرضیه اول بود، به این معنی که فعالیت اجتناب از پرداخت مالیات هزینه بدھی شرکت را کاهش می‌دهد به عبارت دیگر صرفه جویی مالیاتی که از فعالیتهای اجتناب از پرداخت مالیات ایجاد می‌شود می‌تواند در پروژه‌های شرکت سرمایه‌گذاری شود و در نهایت تأمین مالی از طریق بدھی را کاهش دهد. فرضیه دوم تحقیق تاثیر مالکیت نهادی بر رابطه بین اجتناب از پرداخت مالیات و هزینه بدھی را مورد بررسی قرار می‌دهد. نتایج حاصل از آزمون این فرضیه نشان داد که مالکیت نهادی تاثیر معنی‌داری بر این رابطه ندارد. بر اساس مبانی نظری تحقیق و نتایج تحقیقات پیشین، فعالیت‌های اجتناب از پرداخت مالیات، زمینه انحراف منافع به وسیله مدیران را ایجاد می‌کند که در شرکت‌های با حاکمیت شرکتی خوب ناشی از سرمایه‌گذاران نهادی، مسئله تضاد منافع باید کاهش پیدا کند. اما بر اساس نتیجه تحقیق مالکان نهادی تاثیری بر ارتباط بین اجتناب از پرداخت مالیات و هزینه بدھی ندارند، که این موضوع می‌تواند ناشی از این باشد که احتمالاً سرمایه‌گذاران

نهادی بررسی دقیق و کافی در مورد فعالیت‌های مدیریتی مربوط به عملکرد شرکت را فراهم نمی‌آورند. مالکان نهادی می‌توانند با کاهش فرصت‌های انحراف منافع ناشی از فعالیت‌های اجتناب از پرداخت مالیات، هزینه‌ بدھی شرکت را کاهش دهند.

بر مبنای یافته‌های حاصل از این پژوهش پیشنهادهای زیر ارائه می‌گردد:

۱- بر اساس نتایج تحقیق پیشنهاد می‌شود سیاست‌گذاران، سیستم‌های مالیاتی آینده و استاندارد-های حسابداری را به گونه‌ای طراحی کنند که شکاف بین سود حسابداری و مشمول مالیات کاهش یابد.

۲- نتایج این تحقیق نشان داد که سهامداران نهادی بر رابطه بین اجتناب از پرداخت مالیات و هزینه‌ بدھی تاثیری معنی‌دار ندارند، بنابراین پیشنهاد می‌شود که سهامداران نهادی با دقت بیشتری بر فعالیت‌هایی که مدیران در این زمینه انجام می‌دهند نظارت کنند.

۳- از آنجایی که هزینه‌ بدھی بر عملکرد و ریسک ورشکستگی شرکت تاثیر گذار می‌باشد، پیشنهاد می‌شود مدیران به نتایج این تحقیق توجه کنند و شرایطی را فراهم کنند که بتوانند از صرفه‌جویی ناشی از معافیتها و طرح‌های تشویقی مالیاتی استفاده کنند و تامین مالی از طریق بدھی را کاهش دهند.

پیشنهادهایی برای تحقیق‌های آتی نیز در زیر ارائه می‌شود:

۱- پیشنهاد می‌شود محققان آتی تحقیق حاضر را با استفاده از سایر معیارهای اجتناب از پرداخت مالیات مثل نرخ موثر مالیاتی نقدی یا نرخ موثر مالیاتی بر اساس استانداردهای حسابداری انجام دهند.

۲- نتایج برخی از پژوهش‌ها در سایر کشورها حاکی از آن است که اجتناب از پرداخت مالیات بر محیط اطلاعاتی شرکت تاثیر می‌گذارد و زمینه انحراف منافع مدیریتی را فراهم می‌کند. پیشنهاد می‌گردد تحقیقات آتی ارتباط بین اجتناب از پرداخت مالیات و شفافیت شرکت‌ها را مورد بررسی قرار دهند.

محدویت‌هایی که در اجزای تحقیق وجود داشته و در تعبیر و تفسیر یافته‌های تحقیق و قابلیت تعمیم آن باید مورد لحاظ قرار گیرند عبارتند:

۴- جهت سنجش اجتناب از پرداخت مالیات از تفاوت بین سود حسابداری و سود مشمول مالیات استفاده شده است در صورت استفاده از معیارهای دیگر، مانند نرخ موثر مالیاتی، ممکن است

نتایجی متفاوت با یافته‌های بدست آمده در این تحقیق حاصل شود. از این‌رو در تفسیر و بسط نتایج باید احتیاط کافی نمود.

۵- جهت برآورد سود مشمول مالیات، از هزینه مالیات ابرازی استفاده شده است که ممکن است شامل اقلام معوقی باشد که مربوط به سالهای قبل است. با توجه به اینکه اطلاعات افشا شده در مورد مالیات توسط شرکتها محدود می‌باشد و اقلام معوق را مشخص نمی‌کنند، از این‌رو تعديل هزینه مالیات ابرازی از این بابت امکان‌پذیر نبود.

فهرست منابع

- ۱- احمد پور، احمد؛ کاشانی پور، محمد و شجاعی، محمد رضا (۱۳۸۹). بررسی تاثیر حاکمیت شرکتی و کیفیت حسابرسی بر هزینه تامین مالی از طریق بدھی. بررسی حسابداری و حسابرسی. دوره ۱۷. شماره ۱۷، ص ۳۲-۶۲.
- ۲- ایزدی نیا، ناصر و رسائیان، امیر (۱۳۸۸). ساختار سرمایه و مالیات بر درآمد شرکتها. فصلنامه تخصصی مالیات شماره چهارم.
- ۳- باباجانی، جعفر و عبدی، مجید (۱۳۸۹). رابطه حاکمیت شرکتی و سود مشمول مالیات شرکت‌ها، پژوهش‌های حسابداری مالی، سال دوم، شماره ۳، ص: ۸۵-۶۵.
- ۴- بادآور نهنگی، یونس؛ برادران حسن زاده، یونس و محمودزاده باگبانی، سعید (۱۳۸۸). بررسی رابطه بین برخی مکانیسم‌های حاکمیت شرکتی و محافظه‌کاری در گزارشگری مالی. تحقیقات حسابداری، شماره ۹.
- ۵- پژویان، جمشید (۱۳۸۰). اقتصاد بخش عمومی (مالیات‌ها) تهران؛ دانشگاه تربیت مدرس.
- ۶- پورحیدری، امید و همتی، داوود (۱۳۸۳). بررسی اثر قراردادهای بدھی، هزینه‌های سیاسی، طرح‌های پاداش و مالکیت بر مدیریت سود در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. بررسی‌های حسابداری و حسابرسی. سال یازدهم، شماره ۳۶، ۴۷-۶۳.
- ۷- خدامی‌پور، احمد و ترک زاده، علی (۱۳۹۰). رابطه بین مالیات و محافظه‌کاری در گزارشگری مالی و مربوط بودن اطلاعات حسابداری. مجله پژوهش‌های حسابداری مالی. سال سوم. شماره سوم. ص ۱۴۵-۱۲۷.
- ۸- سعیدی، پرویز و کلامی عبدالحکیم (۱۳۸۷). تاثیر تغییر قانون مالیات بر درآمد شرکتها بر سرمایه-گذاری شرکتهای تولیدی. فصلنامه تخصصی مالیات. شماره سوم. بهار.
- ۹- عرب مازار، محمد؛ طالب نیا، قدرت الله؛ وکیلی فرد، حمیدرضا و صمدی، محمود (۱۳۹۰). تبیین رابطه بین شفافیت گزارشگری مالی و گزارشگری مالیاتی در ایران. مجله تحقیقات حسابداری. شماره ۹.
- ۱۰- موسوی جهرمی، یگانه؛ خداداد کاشی، فرهاد و زیارتی، مینو (۱۳۸۸). بررسی رابطه بین درجه تمرکز بازار و نرخ موثر مالیات بر درآمد شرکتها. فصلنامه تخصصی مالیات. شماره هفتم.

۱۱. نوروش، ایرج و ابراهیمی کردلر، علی (۱۳۸۴). بررسی و تبیین رابطه ترکیب سهامداران با تقارن اطلاعات و سودمندی معیارهای حسابداری عملکرد. بررسی های حسابداری و حسابرسی. ۹۷-۱۲۴.ص.۴۲
12. Armstrong, S,C. Blouin, L,J. Larker, F.D. (2012). The Incentives for Tax Planing. *Journal of Accounting and Economics*. Vol. 53,pp. 391-411.
13. Bhojraj, S., and P. Sengupta (2003). The Effect of corporate governance on bond ratings and yields: The Role of Institutional Investors and Outside Directors. *Journal of Business* 76 (3): 455-475.
14. Bushee, B. (1998). The influence of Institutional Investors on Myopic R&D Investment Behavior. *Accounting review*, 73.305-334.
15. Chen, S., Chen, X., Cheng, Q., Shevlin, T (2010). Are Family Firm more Tax Aggressive than Non-family Firm? *Journal of financial Economics* 20,267-292
16. Chung, R., Firth, M., Kim, J (2002). Institutional Monitoring and Opportunistic Earnings Management. *Journal of Corporate Finance* ۲۹_۴۸
17. Dydeng, S. D., Hanlon, M., Maydew, E. L (2009). The Effects of Executives on Corporate Tax Avoidance. Working Paper.
18. Desai, M.A., Dharmapala, D (2006). Corporate Tax Avoidance and High Powered Incentives. *Journal of Financial Economics*, 79, 145–179.
19. Desai, M.A., Dharmapala, D. (2009). Corporate Tax Avoidance and Firm Value Review of Economics and Statistics, 91, 537–546.
20. DeAngelo, H. & Masulis, R. W. (1980). Optimal Capital Structure under Corporate and Person Taxation. *Journal of Financial Economics*.
21. Gravile, J. G (2009). Tax Havens: International Tax Avoidance and Evasion. Congressional Research Service Report for US Congress.

- 22 .Graham, J.R., Tucker, A (2006). Tax Shelters and Corporate Debt Policy. *Journal of Financial Economics*. 81, 563–594.
23. Gupta, S., and K. Newberry (1997). Determinants of the Variability in Corporate Effective Tax Rates: Evidence from Longitudinal Data. *Journal of Accounting and Public Policy* 16: 1-34.
24. Hanlon, M., and S. Heitzman (2009). A Review of Tax Research. Working Paper. Massachusetts Institute of Technology.
- 25.Hartzell, J.C., Starks, L.T (2003). Institutional Investors and Executive Compensation. *Journal of Finance* 58, 2351–2374.
26. Kim B, Jung K, Kim I (2005). Internal Funds Allocation and the Ownership Structure: Evidence from Korean Business Groups. *Rev Quant Finance Acc* 25:33–53.
27. Lim, Y.D (2011). Tax Avoidance, Cost of Debt and Shareholder Activism : Evidence from Korea. *Journal of Banking and Finance* 456-470.
28. Lim, Y.D (2010). Tax Avoidance and Underleverage: Korean Evidence. Working Paper. University of New South Wales.
29. Noor, R. M., Fadzillah, N. S., Mastuki, N. A (2010). Corporate Tax Planning: A Study on Corporate Effective Tax Rates of Malaysian Listed Companies. *International Journal of Trade, Economics and Finance*, 1(2), 189-193.
30. Otusanya, O. J (2011). The Role of Multinational Companies in Tax Evasion and Tax Avoidance: The Case of Nigeria. *Critical Perspectives on Accounting*, 22(3), 316-332.
31. Pasternak, M., Rico, C (2008). Tax Interpretation, Planning, and Avoidance: Some Linguistic Analysis. *Akron Tax Journal*, 33.
32. Plesko G. A.,(2004). Corporate Tax Avoidance and the Properties of Corporate Earnings. *National Tax Journal*, 7, 1-20.
33. Rego, S. O. (2003). Tax-avoidance Activities of U.S. Multinational Corporation Contemporary. *Accounting Research* 20: 805-833.

34. Shleifer, A., Vishny, R (1986). Large shareholders and corporate control. *Journal of Political Economy*, 94, 461–488.
35. Slemrod, J. (2004). The Economics of Corporate Tax Selfishness. *National Tax Journal*, 57, 877–99.
36. Wang (۲۰۱۰). Tax Avoidance, Corporate Transparency, and Firm Value. Working Paper.
37. Wilson, R. J (2009). An Examination of Corporate Tax Shelter Participation .*Accounting Review*, 84 , 969-99.
38. Zimmerman, J (1983). Taxes and Firm Size. *Journal of Accounting & Economic*. 1983. 5, 119–149.
39. Yaffee, R. (2003)."A Primer for Panel Data Analysis", New York University, Information Technology Services.